

مسلسل: ۱۸۰۹۸

اسفند ۱۴۰۰

بررسی پیامدهای بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو

معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی

دفتر مطالعات فرهنگی و آموزش



شماره مسلسل: ۱۸۰۹۸

کد موضوعی: ۲۷۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی پیامدهای بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو

نام دفتر: مطالعات فرهنگی و آموزش

تهیه و تدوین: یوسف زراعت کیش

همکاران: هادی یوسفی، حسین نصیری

ناظران علمی: موسی بیات، کمیل قیدرلو، صادق ستاری فرد

اظهار نظر کننده: سامان یوسفوند

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. بومی‌گزینی
۲. پذیرش دانشجو
۳. تبعات فرهنگی
۴. تبعات اجتماعی
۵. تبعات امنیتی

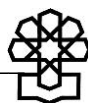


تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۹

به نام خدا

فهرست مطالب

۱ خلاصه مدیریتی
۴ مقدمه
۵ شناخت بومی‌گزینی
۹ بومی‌گزینی؛ اتفاقی که در عمل می‌افتد
۱۳ بومی‌گزینی؛ تداخل با سهمیه مناطق (منطقه ۱، ۲ و ۳)
۲۰ میزان موفقیت بومی‌گزینی
۲۱ تبعات بومی‌گزینی
۲۹ جمع‌بندی
۳۰ پیشنهادهای
۳۴ منابع و مآخذ



بررسی پیامدهای بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو

خلاصه مدیریتی

«بومی‌گزینی»^۱ یک روش پذیرش دانشجو از طریق آزمون سراسری در کشور است که نقش بسیار زیادی در توزیع پذیرفته‌شدگان در دانشگاه‌های مختلف و شانس داوطلبان برای قبولی در رشته‌محل‌های مورد علاقه دارد. نتایج این گزارش نشان می‌دهد بومی‌گزینی عملاً امتیازی برای محرومان، داوطلبان شهرستان‌ها و مناطق کمتربرخوردار نیست و در مقابل امتیازی برای داوطلبان بومی مناطق برخوردارتر کشور نظیر تهران و سایر کلان‌شهرهاست.

با هدف روشن‌تر شدن فرایند بومی‌گزینی و تأثیرات آن بر توزیع دانشجو در کشور، در این گزارش «بومی‌گزینی» تبیین و به‌تفصیل تشریح شده است. «بومی‌گزینی» برای اکثر رشته‌ها اعمال می‌شود و از بومی استانی شروع، سپس به بومی ناحیه‌ای و قطبی تبدیل می‌شود و درنهایت نیز برای معدودی از رشته‌ها که بسیار کمیاب هستند پذیرش به‌صورت کشوری است. همچنین، نقش بومی‌گزینی در توزیع آماری پذیرفته‌شدگان «دوره‌های با آزمون» در کنکور سراسری سال ۱۳۹۸ و تداخل آن با سهمیه مناطق

۱. بومی‌گزینی با سهمیه بومی مناطق محروم و غیره متفاوت است.

به‌عنوان یک مورد بررسی و مطالعه شده است.

بررسی کلی بومی‌گزینی نشان می‌دهد این فرایند ضمن تداخل با سهمیه‌های مناطق، موجب توزیع ناعادلانه و ناهمگون دانشجو در کشور شده است که این وضعیت به میزان قابل توجهی به زیان مناطق کمتربرخوردار بوده است، به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۸ حدود ۵۰ درصد قبولی‌های دوره روزانه و به‌ترتیب حدود ۸۰ و ۷۰ درصد قبولی‌های دانشگاه‌های پیام نور و غیرانتفاعی به‌صورت استانی و ۱۸ درصد قبول‌شدگان برمبنای پذیرش کشوری پذیرفته شده‌اند. درخصوص استان‌های مرزی این وضعیت پُررنگ‌تر است؛ برای مثال در دو استان سیستان و بلوچستان و آذربایجان شرقی، ۸۹/۲ و ۶۴/۳ درصد از قبول‌شدگان دوره روزانه به‌صورت استانی پذیرفته شده‌اند. البته ناگفته نماند در ایجاد این شرایط عامل دیگری یعنی رغبت برخی از داوطلبان برای تحصیل در شهر و یا استان محل زندگی خود نیز مؤثر است. همچنین، آمارها نشان می‌دهند تنها ۵/۶۵ درصد از داوطلبان منطقه (۳) که دارای بیشترین تعداد داوطلب (۳۸ درصد از کل داوطلبان) است، در دوره روزانه با آزمون پذیرفته شده‌اند. بنابراین، کمترین شانس قبولی در این دوره متعلق به داوطلبان منطقه (۳) است. این در حالی است که منطقه (۱) که دارای کمترین تعداد داوطلب (۱۸ درصد از کل داوطلبان) بوده، یعنی به میزان نیمی از تعداد داوطلبان منطقه (۳)، دارای بالاترین شانس قبولی در دوره‌های روزانه با آزمون به میزان ۹/۵۵ درصد بوده است که بومی‌گزینی مهم‌ترین عامل مؤثر در این پدیده است.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد داوطلبان مناطق محروم و کمتربرخوردار اکثراً در همان منطقه محروم پذیرفته شده‌اند و از پذیرفته شدن در دانشگاه‌های سایر شهرها به‌خصوص شهرهای بزرگ مانند تهران محروم مانده‌اند. این امر منجر به تشدید محرومیت



به‌ویژه در برخورداری از امکانات آموزشی و دانشگاه‌های تراز اول کشور می‌شود که در ادامه نیز این دسته از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان از دستیابی به امکانات و فرصت‌های شغلی کشور باز می‌مانند. با این تفصیل، بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو مغایر با عدالت آموزشی، بند «۲-۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی مقام معظم رهبری و بندهای «۳» و «۹» اصل سوم قانون اساسی است. **اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف به تعمیم و تسهیل آموزش عالی و رفع تبعیضات ناروا برای همه مردم کرده است.** تبعات بومی‌گزینی محدود به عدالت آموزشی نیست. در این گزارش، بومی‌گزینی از پنج بُعد آموزشی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این گزارش نشان می‌دهد اهم چالش‌ها و تبعات بومی‌گزینی شامل مواردی از قبیل: ۱. تضعیف انسجام ملی و افزایش قومیت‌گرایی، ۲. تضعیف امنیت ملی، ۳. ممانعت از هم‌افزایی فرهنگی بین اقوام مختلف کشور، ۴. تشدید نابرابری‌ها و کاهش تحرک اجتماعی، ۵. تشدید نابرابری‌های آموزشی، ۶. تضعیف زبان مشترک ایرانیان یعنی زبان فارسی را نیز به‌همراه دارد.

با توجه به پیامدهای روش بومی‌گزینی، پیشنهادهای مختلفی از جمله کاهش میزان بومی‌گزینی، مستثنا شدن کلان‌شهرها از بومی‌گزینی و ترکیبی از این دو ارائه شده است. اما، پیشنهاد نهایی لغو بومی‌گزینی و پذیرش دانشجو برمبنای سهمیه‌های منطقه‌ای و اضافه شدن یک منطقه به‌عنوان منطقه ۴ است.

مقدمه

در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه فرصت‌ها و توجه به اقشار محروم جامعه و ایجاد شرایط مناسب برای برخورداری آنها از فرصت‌های مختلف، به‌خصوص آموزش از اولویت‌ها و سیاست‌های کلی کشور بوده است. در بند «۳» اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف به تعمیم و تسهیل آموزش عالی و در بند «۹» موظف به رفع تبعیضات ناروا برای همه شده است. در بند «۶-۲» «سیاست‌های کلی علم و فناوری» بر توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات تحصیل و تحقیق در آموزش عالی در سراسر کشور با هدف «بهینه‌سازی عملکرد و ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور به‌منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و شکوفایی علمی تأکید شده است. همچنین، بند «۲-۲» سیاست‌های کلی علم و فناوری به اصلاح نظام پذیرش دانشجو و توجه ویژه به استعداد و علاقه‌مندی دانشجویان در انتخاب رشته تحصیلی اختصاص دارد. در بند «۷-۲» نیز شناسایی نخبگان، پرورش استعدادها درخشان و حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ایران کشوری است برخوردار از فرصت‌های برابر که قطعاً فرصت‌های برابر آموزشی از مهم‌ترین ارکان آن است.

بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین مجراهای رفع تبعیض و ارتقای طبقه و سطح زندگی مردم، برخورداری از امکانات آموزشی به‌خصوص دسترسی به دانشگاه‌های باکیفیت است. در شرایط حاضر پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های کشور متأثر از عوامل و ترتیباتی است که توزیع دانشجویان در سراسر کشور را فارغ از رقابت علمی، کنترل می‌کند. به‌نظر می‌رسد برخی از این عوامل تشدیدکننده نابرابری در برخورداری مردم از دانشگاه‌های تراز



اول و امکانات آموزشی بهتر است که از میان آنها «بومی‌گزینی» بیش از همه خودنمایی می‌کند. بنابراین ضمن تبیین فرایند «بومی‌گزینی» به نتایج و تأثیرات این فرایند در ابعاد مختلف آموزشی، امنیتی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی پرداخته می‌شود. در این گزارش برای مطالعه بومی‌گزینی از منابع و ابزارهای تحلیلی نظیر: ۱. مطالعات اسنادی، ۲. تحلیل آمارهای موجود و ۳. ایجاد کارگروه‌های کارشناسی استفاده شده است.

شناخت بومی‌گزینی

در جلسه ۲۱۳ مورخ ۱۳۶۹/۰۲/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی کلیات طرح پیشنهادی سازمان سنجش آموزش کشور در مورد گزینش بومی آزمون سراسری به تصویب رسید. عمده اهداف ذکر شده برای بومی‌گزینی شامل موارد ذیل است:

۱. کاهش مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان (نظیر مشکل کمبود خوابگاه، افت تحصیلی ناشی از دوری خانواده و مشکلات اقتصادی)

۲. کاهش مهاجرت درون‌کشوری

۳. امکان قبولی بیشتر داوطلبان در منطقه بومی خود

در بومی‌گزینی، رشته‌های تحصیلی تا بیشترین حد ممکن به بوم‌های پذیرش مختلف تقسیم شده است. به طوری که بالاترین شانس قبولی هر داوطلب در جغرافیای پیرامون محل زندگی اوست که از استان بومی شروع می‌شود و پس از آن به ناحیه و قطب بومی می‌رسد. رشته انتخابی داوطلب عنصر اساسی در فرایند بومی‌گزینی^۱ است. یعنی

۱. ملاک تعیین استان بومی سه سال آخر تحصیلات دبیرستان یا هنرستان است.

رشته‌ها - با توجه به وجود و عدم وجود آنها در محدوده‌های جغرافیایی - به رشته‌های استانی (رشته‌هایی که در همه استان‌ها وجود دارند)، ناحیه‌ای، قطبی و کشوری تقسیم‌بندی شده‌اند که هر کدام مطابق با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و تعریف سازمان سنجش آموزش کشور در ذیل آمده است:

۱. **رشته‌های استانی:** رشته‌هایی هستند که در اکثر استان‌ها وجود دارد و (به اصطلاح) نیاز کاربردی^۱ استان را نیز تأمین می‌کند.

۲. **رشته‌های ناحیه‌ای:** از مجموع چند استان مجاور یک ناحیه بومی تعیین می‌شود. رشته‌هایی ناحیه‌ای هستند که در اکثر استان‌ها وجود نداشته، ولی در چند استان مجاور که به‌عنوان یک ناحیه تلقی می‌شوند موجود هستند. در اینجا کشور به ۹ ناحیه بومی تقسیم‌بندی شده است. مثلاً استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل در ناحیه (۲) واقع شده‌اند. پس اگر رشته‌ای فقط در دانشگاه‌های اردبیل موجود باشد و دو استان دیگر فاقد آن رشته باشند، پذیرش این رشته ناحیه‌ای خواهد بود و داوطلبان ناحیه (۲) از شانس بیشتری برای قبولی در آن رشته برخوردار خواهند بود. در جدول ۱ دسته‌بندی نواحی بومی کشور آمده است.

۱. این فرض حداقل در شرایط کنونی کاملاً اشتباه است.



جدول ۱. دسته‌بندی نواحی بومی کشور

البرز، تهران، زنجان، سمنان، قزوین، قم و مرکزی	ناحیه (۱)	۱
آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل	ناحیه (۲)	۲
اصفهان، چهارمحال و بختیاری و یزد	ناحیه (۳)	۳
سیستان و بلوچستان و کرمان	ناحیه (۴)	۴
بوشهر، فارس، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان	ناحیه (۵)	۵
کردستان، کرمانشاه و همدان	ناحیه (۶)	۶
ایلام، خوزستان و لرستان	ناحیه (۷)	۷
خراسان رضوی، خراسان جنوبی و خراسان شمالی	ناحیه (۸)	۸
گلستان، گیلان، مازندران	ناحیه (۹)	۹

مأخذ: سازمان سنجش آموزش کشور.

۳. رشته‌های قطبی: از مجموع چند ناحیه یک قطب بومی ایجاد می‌شود. رشته‌هایی

قطبی هستند که در اکثر نواحی وجود نداشته، ولی در چند ناحیه مجاور که به‌عنوان یک قطب تلقی می‌شوند وجود دارند. شایان ذکر است که کشور به پنج قطب تقسیم‌بندی شده که در جدول ذیل آمده است.

جدول ۲. دسته‌بندی قطب‌های بومی

ردیف	قطب‌های بومی	استان‌ها	نواحی موجود در قطب
۱	قطب (۱)	البرز، تهران، زنجان، سمنان، قزوین، قم، مرکزی، گلستان، گیلان و مازندران	ناحیه (۱) + ناحیه (۹)
۲	قطب (۲)	خراسان رضوی، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان و کرمان	ناحیه (۸) + ناحیه (۴)
۳	قطب (۳)	آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، کردستان، کرمانشاه و همدان	ناحیه (۲) + ناحیه (۶)
۴	قطب (۴)	اصفهان، چهارمحال و بختیاری، یزد، ایلام، خوزستان و لرستان	ناحیه (۳) + ناحیه (۷)
۵	قطب (۵)	بوشهر، فارس، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان	ناحیه (۵)

مأخذ: همان.

۴. رشته‌های کشوری: شامل رشته‌هایی است که در اکثر قطب‌های کشور وجود

ندارد و تنها در محدودی از دانشگاه‌ها ارائه می‌شوند. به‌عنوان نمونه گزینش بومی برای تمام رشته‌های گروه آزمایشی هنر در دوره روزانه با توجه به ظرفیت بسیار کم آنها در مقایسه با سایر گروه‌ها، کشوری اعمال می‌شود.

داستان بومی‌گزینی به همین جا ختم نشد و شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۲۸ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱ بنابه پیشنهاد مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، «ضوابط مربوط به گسترش بومی‌گزینی در آزمون سراسری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی» را به شرح ذیل تصویب نمود:^۱

«۱. سازمان سنجش آموزش کشور موظف است براساس گسترش رشته‌های آموزش

۱. مصوب ششصدویست‌وهشتمین جلسه مورخ ۱۳۸۷/۰۵/۰۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تاریخ ابلاغ: ۱۳۸۷/۰۶/۰۳ شماره ابلاغ: ۱۳۸۷/۰۶/۰۳/دش



عالی و با هماهنگی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حداقل ۶۵ درصد حجم پذیرش دانشجو در دوره‌های روزانه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را به صورت بومی استانی انجام دهد.

۲. دانشگاه آزاد اسلامی موظف است با هماهنگی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حداقل ۷۰ درصد حجم پذیرش دانشجو در کلیه رشته‌ها (اعم از پزشکی و غیرپزشکی) را به صورت بومی استانی انجام دهد».

اجرای مصوبه فوق باعث تغییرات بسیار شدیدی در توزیع داوطلبان و عدم قبولی رتبه‌های برتر داوطلبان شهرستانی - که فقط دانشگاه‌های تراز اول را انتخاب کرده بودند - شد و اعتراضات داوطلبان را برانگیخت. پس از آن اجرای این مصوبه متوقف و قرار شد رشته‌های پُرطرفدار ۶۰ درصد و کم‌طرفدار ۸۰ درصد بومی باشد.

بومی‌گزینی؛ اتفاقی که در عمل می‌افتد

با اعمال بومی‌گزینی در پذیرش، از یک سو شانس قبولی داوطلبان به ترتیب در استان، ناحیه و قطب محل سکونت آنها بیشتر می‌شود و از سوی دیگر به همین ترتیب احتمال قبولی داوطلب در استان‌ها، قطب‌ها و سایر نواحی کمتر می‌شود. برای مثال داوطلبان بومی استان تهران شانس قبولی بیشتری در دانشگاه‌های تهران نسبت به سایر استان‌ها در رشته‌های روزانه و شبانه دارند. یعنی یک داوطلب تهرانی با تراز و نمره مساوی با یک داوطلب اهل شیراز، شانس بیشتری برای قبولی در دانشگاه‌های تهران دارد. همین موضوع در خصوص نواحی و قطب‌ها نیز صادق است. برای مثال داوطلبان بومی ناحیه (۲) که

شامل داوطلبان سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل هستند شانس قبولی آنها در این ناحیه بسیار بیشتر است.

نکته مهم دیگری که در خصوص بومی‌گزینی وجود دارد این است که نحوه‌گزینش رشته‌های تحصیلی در دوره‌های مختلف مانند دوره «نوبت دوم»، پیام نور و غیره متفاوت است. برای مثال رشته‌های مجازی و دانشگاه‌های غیرانتفاعی به‌صورت کشوری‌گزینش می‌شوند. در جدول ۳ نحوه‌گزینش دوره‌های مختلف آمده است.

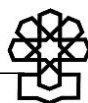
جدول ۳. نحوه‌گزینش رشته‌های تحصیلی دوره‌های مختلف

نام دوره	نوع‌گزینش
روزانه	نوع‌گزینش در رشته‌های روزانه ثابت نیست و در جدول رشته‌های تحصیلی روزانه هریک از گروه‌های آزمایشی، نوع‌گزینش هر رشته در مقابل آن نوشته شده است.
نوبت دوم (شبانه)	بومی استانی
غیردولتی (غیرانتفاعی) و پیام نور	بومی ناحیه‌ای
مجازی، غیرانتفاعی، پردیس‌های خودگردان و ظرفیت مازاد مشترک	کشوری (بدون بومی‌گزینی)

مأخذ: سازمان سنجش آموزش کشور، سال ۱۳۹۹.

رشته‌ها در دوره روزانه به دو دسته پُرمتقاضی و کم‌متقاضی تقسیم می‌شوند. پس از کسر سهمیه ۲۵ درصد و ۵ درصد ایثارگران، باقی‌مانده ظرفیت به‌صورت ذیل به سایر داوطلبان اختصاص می‌یابد:

- میزان پذیرش بومی در رشته‌های پُرمتقاضی دوره روزانه با توجه به اینکه رویکرد بومی‌گزینی در آنها اعمال شده حدود ۶۰ درصد ظرفیت هر رشته محل به‌صورت‌گزینش



بومی و حدود ۴۰ درصد آن به صورت گزینشی آزاد انجام می‌شود. بنا بر اطلاعات سازمان سنجش آموزش کشور رشته‌های پُرمتقاضی در گروه‌های آموزشی مختلف برای سال ۱۳۹۷ در جدول ۴ آمده است (این رشته‌ها ممکن است برای سال‌های متفاوت تغییر کنند).

جدول ۴. تقسیم‌بندی رشته‌ها براساس میزان تقاضا برای سال ۱۳۹۸

۶۰ درصد بومی و ۴۰ درصد آزاد	مهندسی برق، مهندسی مکانیک، مهندسی کامپیوتر، مهندسی عمران، مهندسی معماری و مهندسی صنایع	گروه علوم ریاضی و فنی	رشته‌های پُرمتقاضی
	پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی	گروه علوم تجربی	
	حقوق، روانشناسی و حسابداری	گروه علوم انسانی	
۸۰ درصد بومی و ۲۰ درصد آزاد	سایر	همه	سایر رشته‌ها

مأخذ: سازمان سنجش آموزش کشور.

سایر رشته‌های دوره روزانه آزمون سراسری

در این رشته‌ها میزان پذیرش بومی حدود ۸۰ درصد است و در حدود ۲۰ درصد دیگر گزینش به صورت آزاد انجام می‌پذیرد.

دوره‌های نوبت دوم و نیمه‌حضوری

نوع گزینش بومی تمام رشته‌محل‌های دوره نوبت دوم و نیمه‌حضوری از نوع بومی استانی است. بعد از کسر سهمیه ۲۵ درصد و ۵ درصد ایثارگران از باقی‌مانده ظرفیت حدود ۸۰

درصد ظرفیت رشته‌های نوبت دوم یا نیمه‌حضوری به داوطلبان بومی هر استان تعلق خواهد گرفت و حدود ۲۰ درصد به داوطلبان آزاد اختصاص می‌یابد.

دوره‌های پیام نور و غیرانتفاعی

تمامی رشته‌محل‌های دانشگاه پیام نور و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به صورت بومی ناحیه گزینش می‌شوند، به این معنا که بعد از کسر سهمیه ۲۵ درصد و ۵ درصد ایثارگران از باقی‌مانده ظرفیت حدود ۸۰ درصد ظرفیت رشته‌محل‌های این دوره‌ها به داوطلبان بومی نواحی مربوط و بقیه داوطلبان آزاد اختصاص دارد.

دوره مجازی و پردیس‌های خودگردان ظرفیت‌های مازاد و مشترک

تمامی رشته‌محل‌های مجازی، پردیس‌های خودگردان دانشگاهی، ظرفیت‌های مازاد و دوره‌های مشترک، کشوری گزینش می‌شوند و گزینش بومی در آنها اعمال نمی‌شود. یعنی پس از کسر سهمیه ایثارگران باقی‌مانده ظرفیت به نسبت تعداد داوطلبان هریک از مناطق سه‌گانه (منطقه ۱، ۲ و ۳) و خانواده شهدا در رشته‌محل اختصاص می‌یابد.

دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی (ویژه فرهنگیان و داوطلبان آزاد)

در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی بومی بودن داوطلب در هر کد رشته‌محل براساس ملاک‌های تعیین شده در دفترچه شماره دو آزمون سراسری (راهنمای انتخاب رشته) صورت می‌پذیرد.^۱ برای نمونه در سال ۱۴۰۰ پذیرش دانشگاه

۱. سازمان سنجش آموزش کشور.



فرهنگیان و شهید رجایی به صورت بومی استانی بود.

بومی‌گزینی؛ تداخل با سهمیه مناطق (منطقه ۱، ۲ و ۳)

قبل از بررسی تداخل بومی‌گزینی بهتر است در خصوص سهمیه منطقه‌ای بحث شود. در سهمیه‌بندی منطقه‌ای هریک از شهرها و روستاهای موجود در استان‌های کشور براساس کیفیت آموزشی و دسترسی به امکانات آموزشی به سه منطقه ۱، ۲ و ۳ تقسیم می‌شوند. اساس دسته‌بندی سهمیه مناطق عدالت آموزشی است، بنابراین سعی شده بود تا داوطلبان هر منطقه از لحاظ دسترسی به امکانات آموزشی در یک سطح مشابه قرار گیرند. در سهمیه‌بندی منطقه‌ای اصل بر این است که هر منطقه به نسبت جمعیت داوطلبان مجاز خود در هر آزمون از ظرفیت دانشگاه‌ها و رشته‌محل‌های مختلف برخوردار باشد. برای مثال اگر ۵۰ درصد از جمعیت داوطلبان مجاز از منطقه (۱) باشند، در حالت ایدئال ۵۰ درصد از ظرفیت دانشگاه‌ها پس از کسر سایر سهمیه‌ها به داوطلبان منطقه (۱) تعلق می‌گیرد. ایرادی که در اینجا خودنمایی می‌کند این است که سهمیه منطقه‌ای در دل بومی‌گزینی اعمال می‌شود. برای مثال در رشته‌هایی که در دانشگاه‌های استان تهران به صورت بومی استانی پذیرش دارند، فقط داوطلبان مناطق ۱، ۲ و ۳ مستقر در استان تهران می‌توانند از سهمیه بومی استفاده کنند و مناطق سه‌گانه سایر استان‌ها تنها می‌توانند به صورت آزاد برای مابقی ظرفیت که ۴۰ یا ۲۰ درصد است رقابت کنند. می‌توان گفت در صورت عدم اعمال بومی‌گزینی مؤثرترین سهمیه برای برخورداری داوطلبان مناطق کمتربرخوردار از آموزش عالی و دانشگاه‌های برتر، سهمیه مناطق است.

چراکه به این ترتیب داوطلبان هر منطقه فقط با داوطلبان همان منطقه که برخورداری کم‌وبیش مشابهی دارند رقابت می‌کنند و سهم هر منطقه از ظرفیت‌های موجود آموزش عالی به نسبت جمعیت داوطلبان آن محفوظ می‌ماند. بنابراین دو نتیجه بسیار مهم از سهمیه منطقه‌ای در شرایط بدون بومی‌گزینی حاصل خواهد شد: اول اینکه سهم هر منطقه از ظرفیت دانشگاه‌ها و رشته‌محل‌های برتر محفوظ می‌ماند و دوم شانس^۱ قبولی داوطلبان در هر سه منطقه برابر خواهد بود.

توزیع آماری داوطلبان در رشته‌محل‌های با آزمون

اتفاقی که در عمل در فرایند پذیرش دانشجو روی می‌دهد این است که ظرفیت دوره روزانه دانشگاه‌ها و به‌طور کلی ظرفیت‌های با آزمون که محل درخواست و رقابت هستند، به‌صورت نامتوازن بین داوطلبان مناطق مختلف توزیع شده است. به‌عبارتی شانس قبولی داوطلبان مناطق سه‌گانه در دوره‌های با آزمون به‌خصوص دوره روزانه برابر نیست (جدول ۱). در جدول ۵ آمار پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ در روش با آزمون به تفکیک سهمیه و نوع دوره قبولی از جمله دوره روزانه آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود منطقه (۳) با داشتن بیشترین تعداد داوطلب (۳۸ درصد از داوطلبان) تنها حدود ۲۵ درصد از کل قبولی‌های دوره روزانه را داراست و تنها ۵/۶۵ درصد از داوطلبان منطقه (۳) در دوره روزانه با آزمون پذیرفته شده‌اند (از هر ۱۰۰ نفر حدود ۶ نفر). این در حالی است که منطقه (۱) با دارا بودن کمترین تعداد داوطلب (۱۸ درصد) که به میزان

۱. تعریف شانس در این گزارش: نسبت قبولی‌ها در يك منطقه به کل داوطلبان همان منطقه ضربدر ۱۰۰.



نصف تعداد داوطلبان منطقه (۳) است؛ ۲۰ درصد از کل قبولی‌های روزانه با آزمون را داشته و ۹/۵۵ درصد از داوطلبان این منطقه در دوره‌های روزانه با آزمون پذیرفته شده‌اند (از هر ۱۰۰ نفر حدود ۱۰ نفر). بنابراین شانس قبولی منطقه (۱) حدود دو برابر منطقه (۳) در دوره روزانه با آزمون بوده است.

شانس کمتر منطقه (۳) دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد. مهم‌ترین دلیل این امر بومی‌گزینی است. به این مفهوم که بومی‌گزینی از حیث کیفیت توزیع داوطلبان کاملاً مؤثر است، به‌گونه‌ای که باعث می‌شود داوطلبانی که به‌لحاظ آموزشی کمتر برخوردار هستند (داوطلبان منطقه (۳)) به میزان کمتری در دوره‌های روزانه با آزمون پذیرفته شوند.^۱ باید توجه داشت دوره‌هایی که پذیرش آنها با آزمون صورت می‌گیرد و نه سوابق تحصیلی، اغلب از کیفیت بالاتر برخوردار هستند و بخش عمده‌ای از آنها در دانشگاه‌های باکیفیت که محل رقابت بیشتری هستند قرار دارند. بنابراین، میزان پذیرش در دوره‌های با آزمون به‌خصوص روزانه با آزمون، ملاک خوبی از کیفیت پذیرش و برخوردار شدن از امکانات آموزشی بهتر و سنجشی برای ارزیابی عدالت آموزشی است.

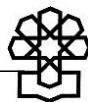
۱. باید توجه نمود اغلب شهرستان‌ها به‌خصوص کمتربرخوردار در منطقه (۳) دسته‌بندی می‌شوند.

جدول ۵. آمار پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری سال ۱۳۹۸ در روش
با آزمون به تفکیک سهمیه و نوع دوره قبولی

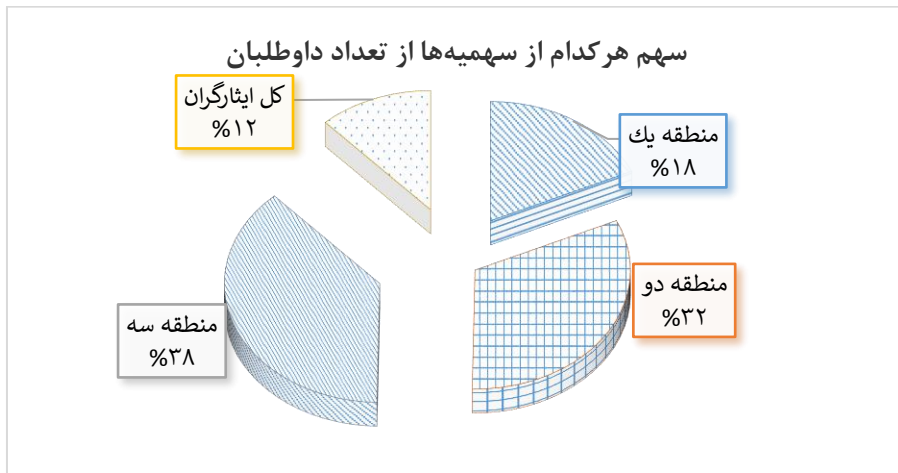
دوره	منطقه (۱)	منطقه (۲)	منطقه (۳)	سایر سهمیه‌ها	کل
روزانه	۲۳۴۹۹	۳۶۲۰۷	۲۸۹۴۶	۲۶۱۵۶	۱۱۴۸۰۸
نوبت دوم (شبانه)	۳۸۸۹	۵۴۰۱	۳۰۵۲	۲۸۶۰	۱۵۲۰۲
پیام نور	۳۶۸۳	۳۶۳۵	۲۹۷۹	۲۸۹۱	۱۳۱۸۸
مناطق محروم	۶۸	۷۲۷	۱۳۰۰	۳۰۳	۲۳۹۸
فرهنگیان - آزاد	۱۹۸۱	۶۷۱۴	۱۱۴۵۱	۳۷۷۷	۲۳۹۲۳
غیرانتفاعی	۶۷۲۳	۳۲۴۹	۲۷۲۴	۳۴۴۳	۱۶۱۳۹
پردیس خودگردان	۱۰۰۷	۱۱۵۶	۶۷۱	۹۵۳	۳۷۸۷
ظرفیت مازاد	۶۳۴	۶۴۷	۳۴۱	۳۹۱	۲۰۱۳
مجموع	۴۱۴۸۴	۵۷۷۳۶	۵۱۴۶۴	۴۰۷۷۴	۱۹۱۴۵۸
تعداد داوطلب (ثبت‌نام‌کننده)	۲۴۶۰۵۲	۴۳۴۵۴۱	۵۱۲۰۹۱	۱۶۰۹۳۵	۱۳۵۳۶۱۵
سهم از کل قبولی با آزمون (درصد)	۲۱/۶۷	۳۰/۱۶	۲۶/۸۸	۲۱/۲۲	۱۰۰/۰۰
سهم ثبت‌نام‌کننده (درصد)	۱۸/۱۸	۳۲/۱۰	۳۷/۸۳	۱۱/۸۸	۱۰۰
درصد قبول‌شدگان هر سهمیه در رشته محل‌های با آزمون (شانس قبولی)*	۱۶/۸۶	۱۳/۲۹	۱۰/۰۵	۲۵/۳۳	۱۴/۱۴
درصد قبول‌شدگان هر سهمیه در دوره روزانه (شانس قبولی)*	۹/۵۵	۸/۳۳	۵/۶۵	۱۶/۲	۸/۴۸

مأخذ: سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۹۹.

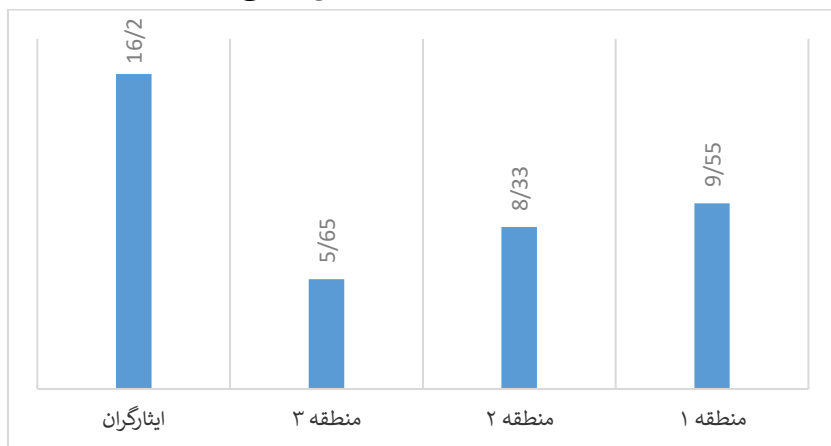
* درصد قبول‌شدگان هر سهمیه نشان‌دهنده نسبت قبول‌شدگان هر سهمیه به داوطلبان همان سهمیه است.



نمودار ۱. سهم داوطلبان هر سهمیه از مجموع داوطلبان



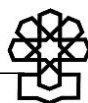
نمودار ۲. درصد قبول شدگان هر سهمیه به نسبت داوطلبان همان سهمیه در دوره روزانه (شانس قبولی)



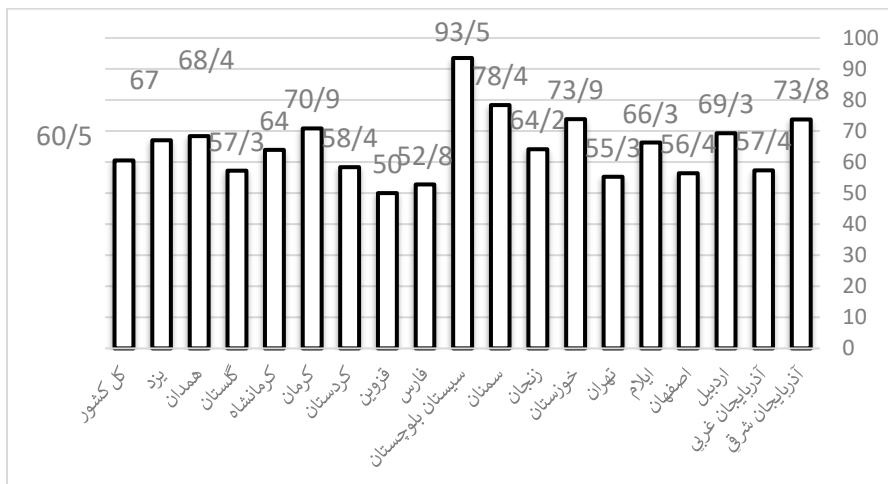
عملکرد بومی‌گزینی در توزیع جغرافیایی داوطلبان (مطالعه پذیرفته‌شدگان سال ۱۳۹۸)

براساس گزارش «آسیب‌شناسی نظام بومی‌گزینی دانشجویان در آموزش عالی ایران» در سال ۱۳۹۹ که توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری تهیه شده،^۱ حدود ۸۲ درصد از پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری سال ۱۳۹۸ بر مبنای سهمیه بومی - قطب و ۶۰/۵ درصد در استان بومی خود و تنها ۱۸ درصد بر مبنای پذیرش کشوری پذیرفته شده‌اند. باید توجه داشت نحوه تقسیم رشته‌ها و ظرفیت غیربومی (کشوری)، مبتنی بر رتبه کشوری است و هیچ سهمیه‌ای اعمال نمی‌شود. بنابر اطلاعات گزارش فوق پذیرش بومی در استان‌های مرزی بسیار پررنگ‌تر است. برای مثال در استان سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی به ترتیب ۹۳/۵ و ۷۳/۸ درصد از ورودی‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در استان بومی خود پذیرفته شده‌اند. این موضوع به این مفهوم است که داوطلبان استان محروم سیستان و بلوچستان که دارای بالاترین میزان قبولی استانی هستند، از دسترسی به سایر دانشگاه‌های کشور به خصوص از دانشگاه‌های تراز اول که اغلب در تهران مستقر هستند، محروم می‌شوند. به‌طور کلی، ۴۸/۷ درصد از پذیرفته‌شدگان دوره‌های روزانه در سال ۱۳۹۸ در استان بومی خود پذیرفته شده‌اند. کمترین این نسبت برای استان قزوین حدود ۳۰/۵ درصد و بیشترین متعلق به دو استان سیستان و بلوچستان و آذربایجان شرقی با نسبت ۸۹/۲ و ۶۴/۳ درصد بوده است.

۱. آسیب‌شناسی نظام بومی‌گزینی در آموزش عالی ایران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، ۱۳۹۹.

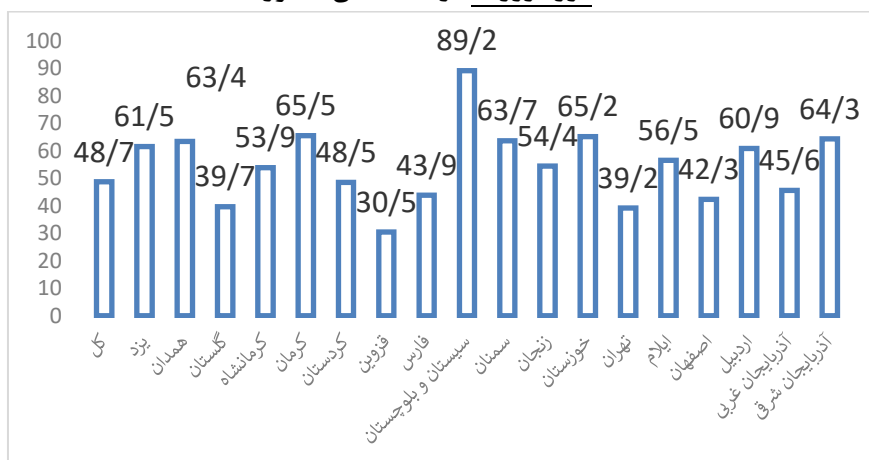


نمودار ۳. مقایسه نسبت پذیرفته‌شدگان بومی استانی کل دوره‌ها در ۱۸ استان کشور



نمودار ۴. مقایسه نسبت پذیرفته‌شدگان بومی استانی

دوره روزانه در ۱۸ استان کشور



مأخذ: گزارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری.

نسبت پذیرفته‌شدگان استانی برای دانشگاه‌های پیام نور و غیرانتفاعی به ترتیب ۷۹/۵ و ۶۸/۸ درصد بوده است. برای مثال پذیرفته‌شدگان استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان و خراسان رضوی در دانشگاه‌های غیرانتفاعی استان بومی به ترتیب ۹۱/۲، ۹۲ و ۹۵/۱ درصد بوده است.

همان‌طور که آمارها نشان می‌دهد بومی‌گزینی میزان دسترسی داوطلبان مناطق دوردست را از دانشگاه‌های بزرگ کشور کاهش می‌دهد و نوعی تبعیض ناروا خلق می‌کند. تبعیض مثبت زمانی است که گروه‌های محروم و کم‌برخوردار دسترسی بیشتری به امکانات به‌ویژه فرصت‌های آموزشی بهتر پیدا کنند. در این راستا سیاستگذاری باید کمک‌کننده دسترسی‌ها باشد تا شکاف‌ها و نابرابری‌های موجود رفع شود.

میزان موفقیت بومی‌گزینی

طبق مطالعات انجام شده بومی‌گزینی نتوانسته است به برخی از اهداف اولیه خود نائل شود. برای مثال اغلب دانشگاه‌هایی که از آنها نظرخواهی شده اظهار نموده‌اند بومی‌گزینی نتوانسته تقاضای بالا برای امکانات رفاهی از جمله خوابگاه را از بین ببرد. چراکه برای بسیاری از دانشجویان بومی که از شهرهای مختلف یک استان، ناحیه و یا بوم وارد دانشگاه شده‌اند، دانشگاه مجبور به ارائه خدمات رفاهی و خوابگاهی به آنان است و با توجه به وسعت زیاد برخی استان‌ها نظیر استان سیستان و بلوچستان و فاصله زیاد شهرها، ارائه خدمات رفاهی اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند.

در بُعد آموزشی نیز طبق طرحی که به تحلیل داده‌های پایه پیمایش‌های انجام شده در دانشگاه‌های تهران پرداخته، معدل دانشجویان غیربومی بیش از دانشجویان بومی بوده



است. ۱\ همچنین، ۵۲ درصد دانشجویان مشروطی دانشگاه الزهرا در ترم اول سال ۱۳۹۹ بومی استان تهران و ۴۵ درصد آنها بومی شهر تهران بوده‌اند.^۲ به‌نظر برخی از دانشجویان، پذیرفته شدن در مکانی دور از محل زندگی و خانواده تبعات روانی و اجتماعی منفی به دنبال دارد. بنابراین، در مورد اشراف خانواده‌ها بر دانشجویان این سیاست موفقیت نسبی داشته و نیز صرفه‌جویی در هزینه ایاب و ذهاب از دیگر مزایای بومی‌گزینی بوده است.

تبعات بومی‌گزینی

بررسی تبعات بومی‌گزینی مبتنی بر بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو، گزارش‌های ارسال شده از نهادها و دانشگاه‌های مختلف، پژوهش‌های موجود، برگزاری جلسات کارشناسی با مسئولین دانشگاه‌ها و سایر نهادهای ذی‌ربط انجام شده است.

۱. تبعات آموزشی

بومی‌گزینی از زوایای مختلفی آموزش عالی کشور را تحت تأثیر قرار داده است که در ادامه به مهم‌ترین آنها پرداخته خواهد شد.

۱-۱. بی‌عدالتی در برخورداری از آموزش عالی باکیفیت

همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد و با توجه به شیوه عمل در بومی‌گزینی، احتمال قبولی داوطلبان هر بوم در بوم خود (سه بوم استانی، ناحیه‌ای و قطبی) افزایش و در سایر

۱. سمیه فریدونی. گزارش آسیب‌شناسی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۳۹۹.
۲. براساس آمار ارائه شده توسط دانشگاه الزهرا.

بوم‌ها کاهش می‌یابد. به این ترتیب احتمال قبولی داوطلبان مناطق کمتربرخوردار در دانشگاه‌های شهرهای بزرگ و برخوردار به شدت کاهش پیدا کرده است. پرواضح است که اغلب دانشگاه‌های برتر کشور در همین شهرهای بزرگ و مناطق برخوردار قرار دارند. بنابراین، بومی‌گزینی سبب نابرابری در برخورداری از امکانات آموزش عالی می‌شود. این به مفهوم تحمیل محرومیت مضاعف بر داوطلبان و جوانان مناطق کمتربرخوردار است که نمونه بارزی از بی‌عدالتی آموزشی است. نتایج جدول ۵ قویاً این موضوع را تأیید می‌کند. طبق اطلاعات این جدول کمترین میزان قبولی رشته‌های با آزمون دوره‌های روزانه مربوط به داوطلبان منطقه (۳) به‌عنوان یک منطقه کمتربرخوردار است، که از قضا بیشترین تعداد داوطلب را نیز دارد. باید این نکته را مدنظر داشت رشته‌های با آزمون به‌دلیل نوع رشته (رشته پُرطرفدار) و یا محل رشته (شهر بزرگ و یا دانشگاه تراز بالا) به‌خصوص در دوره‌های روزانه پُرمتقاضی هستند. بنابراین میزان قبولی در رشته‌های با آزمون به‌خصوص در دوره‌های روزانه شاخص بسیار مهمی از میزان برخورداری از دانشگاه‌های بهتر و رشته‌های پُرمتقاضی است. بررسی جمعیت دانشجویی پذیرش شده در دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ نشان می‌دهد از مجموع ۲۸۰۰ دانشجوی پذیرش شده در این دانشگاه تعداد ۱۵۰۷ نفر یعنی بیش از ۵۰ درصد از استان تهران بوده‌اند و از سیستان و بلوچستان تنها ۱۰ نفر پذیرش شده‌اند.^۱

توزیع نامتوازن امکانات در استان‌های مختلف به این تبعیض دامن زده است. در شهرهای بزرگ افراد به بهترین کلاس‌ها و منابع مطالعاتی دسترسی دارند و راحت‌تر در دانشگاه‌های سطح بالا پذیرفته می‌شوند، اما در شهرهای کم‌برخوردار داوطلبان بیشتر بر استعداد و تلاش خودشان متکی هستند که به‌تنهایی کفاف نمی‌دهد.

۱. سمیه فریدونی. گزارش آسیب‌شناسی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۹.



۲-۱. محبوس نمودن نخبگان در مناطق بومی خود

محبوس نمودن نخبگان مناطق کمتربرخوردار در منطقه خود و جلوگیری از دسترسی آنان به امکانات برتر آموزشی و پژوهشی از دیگر تبعات این روش پذیرش است. با قطع دسترسی افراد مستعد محلی از امکانات آموزشی و فضای علمی دانشگاه‌های برتر از یک سو از شکوفا شدن بیشتر این استعدادها و شناسایی آنها جلوگیری می‌شود و از سوی دیگر فرصت رقابت با دانشجویان قوی را از آنها سلب می‌نماید. هرچند در مقابل این نظر ایده دیگری وجود دارد که ادعا می‌کند بومی‌گزینی با توزیع نخبگان در دانشگاه‌های شهرستان‌ها باعث می‌شود این دانشگاه‌ها رفته‌رفته کیفیت بالاتری پیدا کنند، اما نادیده گرفتن نخبگان و تضییع حق آنها با هدف بالا بردن کیفیت دانشگاه‌ها به هیچ‌وجه مطلوب به نظر نمی‌رسد، بلکه مطلوب آن است که دانشگاه‌ها با بالا بردن سطح کیفی خود موجبات جذب دانشجویان برتر و نخبگان را فراهم آورند.

۳-۱. عدم وجود فضای رقابتی و کاهش سطح کیفی عملکرد دانشگاه‌ها (کاهش کیفیت آموزشی)

به عقیده بسیاری از کارشناسان و مسئولان آموزشی دانشگاه‌ها، بومی‌گزینی با از بین بردن فضای رقابتی در دانشگاه‌ها سبب کاهش کیفیت آموزشی شده است. تحقیقی که در این زمینه منتشر شده^۱ نشان می‌دهد ۶۱/۵ درصد از معاونین آموزشی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم با بومی‌گزینی مخالف بوده‌اند. به عقیده این افراد بومی‌گزینی هم رقابت در پذیرش دانشگاه به دلیل وجود سهمیه بومی و هم رقابت در کلاس درس را به علت هم‌سطح

۱. احسان جمالی و رقیه باقی‌یزدل. چالش‌های بومی‌گزینی در آزمون سراسری آموزش عالی ایران، فصلنامه آموزش عالی ایران، ۱۳۹۵.

شدن دانشجویان، کاهش می‌دهد. توضیح بیشتر اینکه بومی‌گزینی مانع می‌شود دانشجویان با دانشجویان قومیت‌های دیگر و با سطح بالاتر ارتباط بگیرد و اساساً به رقابت بپردازد.

۴-۱. کاهش میزان قبولی در دانشگاه‌های برتر در مقاطع تحصیلات تکمیلی

شواهد نشان می‌دهد تأثیرات آموزشی بومی‌گزینی محدود به مقطع کارشناسی نیست، بلکه اثرات آن به مقاطع بالاتر نیز سرایت می‌کند.^۱ همان‌طور که پیش‌تر گفته شد بومی‌گزینی شانس قبولی داوطلبان مناطق محروم و دوردست برای قبولی در دانشگاه‌های برتر و مستقر در کلان‌شهرها را کاهش می‌دهد. آمارها نشان می‌دهد بخش مهمی از پذیرفته‌شدگان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه‌های برتر کشور از دانش‌آموختگان کارشناسی همین دانشگاه‌های برتر هستند که اغلب در تهران و چهار کلان‌شهر اصفهان، تبریز، شیراز و مشهد مستقر هستند. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۹ در مجموع ۲ هزار و ۹۱۴ نفر در مقطع کارشناسی ارشد روزانه دانشگاه تهران پذیرفته شده‌اند. این پذیرفته‌شدگان از ۴۴۴ دانشگاه مبدأ بوده‌اند. نکته جالب توجه اینکه ۱۰۲۵ نفر از این پذیرفته‌شدگان یعنی ۳۵ درصد (۳۵٪) از تنها ۱۳ دانشگاه مبدأ بوده‌اند که اغلب دانشگاه‌های مستقر در تهران و سایر کلان‌شهرها بوده‌اند.^۲ به بیانی دیگر ۳۵ درصد از پذیرفته‌شدگان کارشناسی ارشد دوره روزانه دانشگاه تهران تنها از سه درصد دانشگاه‌های کشور بوده‌اند. درخصوص دانشگاه صنعتی شریف نیز وضعیت به همین گونه بوده است. از مجموع ۸۶۶ نفر پذیرفته شده مقطع کارشناسی ارشد دوره روزانه این دانشگاه در سال ۱۳۹۹، تعداد ۵۲۵ نفر یعنی بیش از ۶۰ درصد پذیرفته‌شدگان تنها از ۱۰ دانشگاه مبدأ بوده‌اند که هفت مورد از این دانشگاه‌ها در تهران مستقر هستند.

۲. در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری بومی‌گزینی اعمال نمی‌شود.
 ۳. آمار دریافتی از سازمان سنجش آموزش کشور، سال ۱۴۰۰.



۲. تبعات فرهنگی و تضعیف انسجام اجتماعی

آسیب‌های فرهنگی بومی‌گزینی از دو منظر عمده شامل گسست فرهنگی و تضعیف زبان مشترک و وحدت‌آفرین خودنمایی می‌کند.

۱-۲. گسست فرهنگی

ایران کشوری با فرهنگ‌ها، خُرده‌فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و مذاهب متنوع و بسیار است و هرگونه سیاستگذاری بدون توجه به ملاحظات فرهنگی - آموزشی بسیار مهم و تأثیرگذار می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به همبستگی جامعه و انسجام اجتماعی وارد کند. سیاستگذاری در دانشگاه به‌عنوان نهادی بسیار مهم با تأثیرات گسترده بر جامعه در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی، مستثنا از این قاعده نیست و غفلت از نقش دانشگاه در ایجاد گفتگو، آشنایی، تداخل فرهنگی، همگامی و هم‌افزایی اقوام ایرانی امری آسیب‌زاست. در واقع می‌توان گفت در دنیای امروز دانشگاه می‌تواند یکی از عوامل اصلی هویت‌ساز در کشوری مانند ایران باشد، ولی گسست فرهنگی در دانشگاه‌های کشور موجب تنزل جایگاه دانشگاه از حیث ارتقای فرهنگی و تمدن‌سازی است و نقش دانشگاه‌ها در این زمینه رو به زوال است.

به‌نظر می‌رسد سیاست بومی‌گزینی دانشجو بدون در نظر گرفتن جایگاه هویت‌ساز و وحدت‌آفرین دانشگاه اتخاذ شده است. این سیاست از طریق کاهش تبادلات فرهنگی، کاهش ازدواج بین قومیت‌های مختلف، کاهش شناخت قومیت‌ها و مذاهب از یکدیگر باعث تضعیف هویت ملی ایرانیان می‌شود.^۱ بومی‌گزینی موجب استقرار غیرطبیعی نیروهای انسانی در منطقه خود یا دربند کردن مردم در زادگاه خویش است و این موضوع در مقابل

۱. جان پرور و همکاران. آسیب‌شناسی هویت ملی ناشی از پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاه‌ها. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۱۳۹۳.

مسیر طبیعی حرکت تاریخ اجتماعی ایران قرار دارد. بنابراین این سیاست علاوه بر کاهش تعاملات فرهنگی و اجتماعی ایرانیان، باعث گمشدگی احساسات ملی و کاهش پیوستگی‌های فرمانطقه‌ای می‌شود. بنابراین، تعصبات قومی، رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای در سطح کشور گسترش می‌یابد.

این تعاملات فرهنگی است که می‌تواند منجر به ارتقای فرد شود. محبوس کردن خُرده‌فرهنگ‌ها در مناطق خود می‌تواند منجر به افزایش تعصبات گردد، اما در امتزاج و پیوند خُرده‌فرهنگ‌هاست که آنها غنی شده و فرهنگ ملی را نیز تقویت می‌کنند. یکی از مهم‌ترین محورهایی که در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی مطرح است، تعاملات فرهنگی است که افراد از همدیگر یاد می‌گیرند و این کار باعث رشد آنها می‌شود.

۲-۲. تضعیف زبان مشترک و وحدت‌آفرین

طبق مطالعات انجام شده بومی‌گزینی موجب کم‌رنگ شدن و تضعیف زبان مشترک ایرانیان می‌شود. برای مثال با افزایش و غالب شدن تعداد دانشجویان بومی در دانشگاه به تدریج دانشجویان و اساتید در دانشگاه به زبان محلی و قومی خود صحبت می‌کنند که این مورد، به خصوص در مناطق مرزی از اهمیت بالایی برخوردار است. بومی‌گزینی فرصتی است برای گروه‌های مغرض و جدایی‌طلب که در دانشگاه‌ها با تأکید بر ویژگی‌ها و تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و حتی مذهبی قومیت‌های مختلف حس جدایی‌طلبی را در بین دانشجویان و جامعه ایجاد کرده و به آن دامن بزنند. با سیاست بومی‌گزینی، دانشگاه‌ها و دانشجویان مصالح ملی را فراموش خواهند نمود، درگیر مسائل قومیتی خواهند شد، زبان مشترک رو به ضعف خواهد نهاد و مشکلات امنیتی شدیدی را ایجاد خواهد کرد.^۱

۱. خندق و همکاران. تأثیر بومی‌گزینی در نظام آموزش عالی بر انسجام اجتماعی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۹۷.



۳. تبعات اجتماعی

بومی‌گزینی سدی در برابر تحرک اجتماعی جوانان کشور است و میزان تاب‌آوری آنان را در شرایط فرهنگی و اجتماعی جدید کاهش می‌دهد. برخی مسئولین دانشگاه‌ها اظهار داشتند تجربه زندگی دور از خانواده منجر به پخته‌تر شدن افراد و آمادگی آنها برای حضور بهتر در اجتماع می‌شود. همچنین بومی‌گزینی مانع از رشد و خودسازی دانشجویان و تقویت آنان می‌شود. اگر قرار باشد بومی‌گزینی به کاهش مشکلات اجتماعی و فرهنگی منجر شود، باید به این نکته دقت کنیم که این مشکلات در هیچ جای دنیا صفر نشده و در ایران نیز این گونه نیست که ما بتوانیم آن را به صفر برسانیم.

در تحقیقی که دانشجویان دانشگاه تهران در آن مشارکت داشته‌اند نشان داده شده «جامعه‌پذیری دانشجویان غیربومی بیشتر از دانشجویان بومی است. شاخص خوداثربخشی دانشگاهی که بر ارزیابی شخصی دانشجویان از توانمندی‌های خود اطلاق می‌شود در دانشجویان غیربومی بیش از دانشجویان بومی است و تفاوت معناداری در این حوزه دیده می‌شود»^۱. بنابراین، پذیرش دانشجو در منطقه غیربومی به رشد اجتماعی او کمک می‌کند.

۴. تبعات امنیتی

بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو سبب یکنواختی نسبی دانشجویان به لحاظ قومیت می‌شود. در نتیجه به جای تأکید بر یکپارچگی، بر مسائل قومی و قبیله‌ای تأکید می‌شود و این باعث کاهش سرمایه اجتماعی و وحدت می‌شود که نتیجه نهایی آن کاهش امنیت ملی است. تشکیل کانون‌های قومی توسط دانشجویان در برخی استان‌ها و احتمال ارتباط عناصر نفوذ و

۱. سمیه فریدونی. گزارش آسیب‌شناسی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۹.

معاند در فراسوی مرزها با این کانون‌ها از مواردی است که می‌تواند تبعات امنیتی داشته باشد.

۵. تبعات اقتصادی

۱-۵. آثار اقتصادی برای دانشجویان

پذیرفته شدن دانشجویان در شهر و استان خود تا حدودی موجب کاهش هزینه‌های ایاب و ذهاب و سایر هزینه‌های زندگی مانند مسکن خواهد شد، که البته مورد اخیر ضعف دولت در تأمین امکانات رفاهی دانشجویان از جمله خوابگاه دانشجویی را نشان می‌دهد. باید توجه داشت دانشجویان و خانواده‌های می‌توانند در این مورد تصمیم‌گیری کنند که آیا توان ادامه تحصیل در شهر دیگری را دارند یا نه؟ پژوهشی نشان داده است برای دانشجویان غیربومی دانشگاه‌های مستقر در شهر تهران محل قبولی اولویت بالاتری نسبت به رشته قبولی داشته است.^۱ یعنی برخی دانشجویان برای قبول شدن در یکی از دانشگاه‌های شهر تهران از رشته مورد علاقه خود گذشته‌اند و رشته‌هایی را انتخاب نموده‌اند که لزوماً مورد علاقه آنها نبوده است. برای چنین شخصی مقداری هزینه‌کرد بیشتر برای تحصیل در دانشگاه معتبر کاملاً قابل توجیه است.

تأثیر دیگر بومی‌گزینی بر آینده دانشجویان است. دانشجویانی که در شهرهای بزرگ‌تر مانند تهران تحصیل کرده‌اند فرصت‌های شغلی بیشتری پس از فارغ‌التحصیلی پیش روی دارند. هرچند که در دوران دانشجویی نیز تا حدودی امکان اشتغال دارند.

۲-۵. تأثیرات بومی‌گزینی بر هزینه‌های دانشگاه

به گفته مسئولان دانشگاهی با بومی‌گزینی بار هزینه‌های رفاهی از دوش دانشگاه‌ها برداشته نشده است و همچنان دانشگاه‌ها با چالش کمبود اعتبارات مواجه هستند. یکی



از دلایل این امر این است که دانشجویان بومی لزوماً از شهر محل استقرار دانشگاه نیستند و بومی استان، ناحیه و قطب هستند که به امکانات رفاهی نیاز دارند. مثلاً به جای دانشجویی که قبلاً از زاهدان در استان گیلان پذیرفته می‌شد، اکنون از آستارا پذیرفته می‌شود. این تفاوتی در هزینه‌های خوابگاه و رفاهی ایجاد نمی‌کند. از نظر کاهش هزینه‌ها در دانشگاه سیستان و بلوچستان نیز چنین اتفاقی نیفتاده است. چراکه وسعت استان سیستان و بلوچستان کلاً این هدف را نقض کرده است. این استان بسیار وسیع است و دانشجویانی که بومی سایر شهرهای این استان هستند با زاهدان فاصله زیاد دارند و همگی نیاز به خوابگاه و امکانات رفاهی دارند. دوم اینکه حتی دانشجویان بومی شهر محل استقرار دانشگاه به امکانات رفاهی مانند حداقل یک وعده ناهار نیاز دارند.

جمع‌بندی

ضرورت بومی‌گزینی که با مسائل اقتصادی، امکانات خوابگاهی و همچنین امنیت اجتماعی بانوان توجیه می‌شد، در عمل دچار چالش‌های فراوانی شد. همچنین، گذشت ۳۰ سال از تصویب بومی‌گزینی ناکارآمدی این شیوه پذیرش را نشان داده است. با توجه به آمارهای ارائه شده در این گزارش، بومی‌گزینی توزیع دانشجویان و پذیرش دانشجو در کشور را به شدت تغییر داده است. این تغییر به گونه‌ای اعمال می‌شود که داوطلبان ساکن هر استان یا منطقه تا حد ممکن در همان استان یا منطقه محل سکونت خود پذیرش شوند و توان رقابت بسیار کمتری برای قبولی در بوم‌های تعریف شده دیگر دارند. بنابراین، بر محرومیت‌شان اضافه می‌شود. نتایج گزارش نشان می‌دهد این شیوه پذیرش ضمن زیر سؤال بردن عدالت آموزشی، تبعات دیگری از جمله، آسیب‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی و

اجتماعی نیز به دنبال دارد.

به‌طور کلی آثار منفی بومی‌گزینی بیشتر از آثار مثبت آن ارزیابی می‌شود و به‌اختصار برخی از پیامدهایی که در تصمیم‌گیری برای حذف یا اصلاح این سیاست باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

۱. تهدید امنیت ملی در بستر هویت ملی و مذهبی
۲. تشدید رقابت‌های قومی و کم‌رنگ شدن منافع ملی
۳. تشدید افراط‌گرایی قومی و مذهبی
۴. افت کیفیت آموزشی و تحصیلی
۵. تشدید احساس تبعیض نسبت به مرکز
۶. تشدید شکاف فرهنگی به دلیل توسعه‌نیافتگی متوازن
۷. تضعیف زبان ملی
۸. کاهش قرابت و پیوند اقوام
۹. افزایش تمایل به مهاجرت به کشورهای همجوار
۱۰. فعال شدن گسل‌های اجتماعی
۱۱. کاهش تحرک اجتماعی

پیشنهادها

برای تعدیل آسیب‌های بومی‌گزینی پیشنهادهای مختلفی با حفظ سهمیه مناطق می‌توان طرح نمود که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد:



۱. حذف بومی‌گزینی

با حذف بومی‌گزینی جریان توزیع دانشجویان در کشور مبتنی بر نظام سهمیه‌بندی منطقه‌ای خواهد شد و همه داوطلبان مناطق مختلف کشور شانس کم‌وبیش برابری برای حضور در دانشگاه‌ها و شهرهای مختلف کشور خواهند داشت. در نظام سهمیه‌بندی منطقه‌ای هر منطقه به نسبت جمعیت داوطلبان خود از ظرفیت هر رشته‌محل انتخابی استفاده خواهند کرد. به این ترتیب شاهد افزایش حضور دانشجویان مناطق کمتربرخوردار در دانشگاه‌های تراز اول و کلان‌شهرها خواهیم بود که در نتیجه این دسته از دانشجویان از امکانات آموزشی برتر کشور برخوردار خواهند شد و تلفیق فرهنگی بیشتری در سطح دانشگاه‌ها رخ خواهد داد. البته در این شرایط به یکباره تعداد قبولی‌های داوطلبان بومی شهرهای بزرگ مانند تهران در دانشگاه‌های تراز اول مانند اغلب دانشگاه‌های مستقر در شهر تهران کاهش خواهد یافت که موجبات اعتراضات احتمالی آنها را فراهم خواهد آورد که البته می‌توان این موضوع را مدیریت نمود، به این ترتیب که به‌صورت تدریجی ظرف پنج سال و ترجیحاً در قالب قانون برنامه هفتم توسعه این حذف انجام شود.

۲. کاهش و تعدیل یکنواخت بومی‌گزینی

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد ۸۰ درصد ظرفیت‌ها در رشته‌های کم‌طرفدار و ۶۰ درصد در رشته‌های پُرمقتضای به‌صورت بومی انتخاب می‌شوند. برای تعدیل این شرایط پیشنهاد دوم این است که در رشته‌های کم‌مقتضای ۵۰ درصد و در رشته‌های پُرفردار ۳۰ درصد به‌صورت بومی انتخاب شوند. با این شرایط ضمن بهبود توزیع دانشجو در کشور کاهش شانس پذیرش متقاضیان بومی کلان‌شهرها شیب کمتری خواهد داشت که در نتیجه شوک کمتری به متقاضیان این مناطق وارد خواهد شد.

۳. مستثنا شدن دانشگاه‌های مستقر در تهران و سایر کلان‌شهرها از روش بومی‌گزینی در این شرایط به‌طور کلی شانس قبولی داوطلبان بومی کلان‌شهرها هم در دانشگاه‌های تراز اول و هم در شهرستان کاهش پیدا خواهد کرد. در اینجا مانند پیشنهاد اول ساکنان مناطق کم‌تر برخوردار امکان برخورداری بیشتری از دانشگاه‌های تراز اول را خواهند داشت، ضمن اینکه سهمیه‌های بومی آنها حفظ شده است. بنابراین شانس قبولی این داوطلبان در رشته‌های پُرطرفدار به‌صورت معناداری بیشتر خواهد شد. در این حالت، توزیع دانشجو در کشور به‌خوبی پیشنهاد اول نخواهد بود و نیز همان‌طور که گفته شد داوطلبان بومی کلان‌شهرها مانند تهران ضمن اینکه قبولی کمتری در دانشگاه‌های تراز اول خواهند داشت در رشته‌های محل رقابت (پُرطرفدار) مستقر در شهرستان‌ها نیز کمتر پذیرفته خواهند شد.

۴. مستثنا شدن دانشگاه‌های مستقر در تهران و کلان‌شهرها از بومی‌گزینی

هم‌زمان با کاهش میزان بومی‌گزینی در سایر مناطق

این سناریو که ترکیبی از پیشنهادهای دوم و سوم است، هرچند شانس قبولی داوطلبان بومی کلان‌شهرها را در دانشگاه‌های تراز اول کاهش می‌دهد، اما شانس قبولی این دسته از داوطلبان در دانشگاه‌های مستقر در شهرهای دیگر را افزایش می‌دهد.

همان‌طور که در فوق اشاره شد پیشنهاد‌های مختلفی برای تعدیل بومی‌گزینی قابل طرح است. اما با توجه به اینکه عادلانه‌ترین پیشنهاد، حذف بومی‌گزینی و حاکم بودن سهمیه مناطق بر پذیرش دانشجو است، پیشنهاد شماره ۱ یعنی حذف بومی‌گزینی را می‌توان به‌عنوان بهترین پیشنهاد پذیرفت.

با توجه به آنچه گذشت پیشنهاد نهایی در قالب یک ماده‌واحد به‌صورت ذیل قابل

ارائه است:



• پیشنهاد نهایی

• عنوان: حذف بومی‌گزینی و اضافه شدن منطقه (۴) به مناطق سه‌گانه پیشین

ماده واحد - روش بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو موضوع مصوبات جلسه ۲۱۳ مورخ ۱۳۶۹/۰۲/۱۱ و جلسه ۶۲۸ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی ظرف حداکثر سه سال به تدریج لغو می‌شود. در این مدت دولت موظف است نیاز دانشگاه‌ها به خدمات رفاهی را رصد نموده و در جهت رفع آنها اقدام نماید. همچنین، یک منطقه به‌عنوان منطقه (۴) به مناطق سه‌گانه اضافه می‌شود.

تبصره «۱» - دانش‌آموزان مناطق عشایری مشروط به آنکه دوره متوسطه اول و دوم را در مدارس عشایری گذرانده باشند، دانش‌آموزان استثنایی، معلولین، فرزندان خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) (سابقه حداقل سه سال تحت پوشش)، مشمولین سهمیه منطقه چهار می‌باشند.

تبصره «۲» - ظرفیت همه رشته‌محل‌ها در همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی پس از کسر سایر سهمیه‌ها، به نسبت تعداد متقاضیان هر منطقه بین مناطق چهارگانه توزیع می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. فریدونی، سمیه. آسیب‌شناسی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۹.
۲. جمالی، احسان و رقیه باقی‌یزدل. چالش‌های بومی‌گزینی در آزمون سراسری آموزش عالی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، ۱۳۹۶.
۳. خندق، نجله و ابوذر کوثری. تأثیر بومی‌گزینی در نظام آموزش عالی بر انسجام اجتماعی در ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۳۹۷.
۴. بذرافشان مقدم، مجتبی و همکاران. بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۱۳۹۳.
۵. جان‌پور، محسن و همکاران. آسیب‌شناسی هویت ملی ناشی از پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاه‌ها، ۱۳۹۳.
۶. هوشمند، محمداحسان. آسیب‌شناسی نظام بومی‌گزینی دانشجو در آموزش عالی ایران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۹.
۷. سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۹۸.